

شنبه ۱۶/۲/۱۴۰۵ - ۱۸ ذیقعد الحرام ۱۴۴۷ - ۶مه ۲۰۲۶ - درس ۱۳۹ از فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه انگیزش - نقشه راه مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابط چهارم - رابطه با دنیای سازمانی - اصول سبعة^۱ - اصل اول - الرضا بالدون - نقاط افراط و تفریط.

❖ مسئله‌ی ۱۳۹: کارکنان سازمان باید برای نیل به حداکثر بهره‌وری و بهبود مستمر در استفاده از امکانات به حداقل‌های مفید و اثربخش اکتفا کنند و به حداقل‌های فرسوده و ناکارآمد رضایت ندهند و دنبال نوسازی و تحول در حداقل‌ها باشند و نباید در بهره‌برداری از امکانات دچار اسراف، زیاده‌روی، زیاده‌خواهی و بی‌حسابی شوند

«الرضا بالدون» اولین اصل از اصول سبعة‌ی تعامل کارکنان با دنیا طبق نقشه‌ی مصباح الشریعة است که با مفاهیم «خفیف المؤمنة» و «قناعت» و «الولاية لا تُطلب» مترادف پیدا کرد. به این نتیجه رسیدیم که قلمروی «الرضا بالدون» در محدوده‌ی مصرف است، نه تولید. اکنون باید دید نقاط افراط و تفریط این مفهوم کدام‌اند؟ افراط را می‌توان شره نامید که مطالبه‌ی مال است بی‌حد و نقطه‌ی تفریط آن اصلاً مطالبه‌ی امکانات نکردن و با دست خالی و بدون سلاح و... زندگی مدنی و سازمانی داشتن است. مدیریت این چنین نمی‌تواند به جایی برسد و با ماشینی با باک خالی نمی‌تواند هیچ حرکتی داشته باشد. شاید بتوان آن را تقصیر یا اقتار نامید که تنگ گرفتن بیش از حد است لقوله تعالی «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا»^۲. انفاق یعنی جذب بودجه که ردیف و نفق دارد و اسراف در آن یعنی بودجه را در موارد بی‌ردیف و بی‌خلاء خرج کردن، ریخت و پاش و بی‌حساب بودجه را مصرف کردن که هدر دادن بدون خروجی است و تقصیر یعنی اصلاً دنبال بودجه نبودن، دنبال امکانات نبودن و با دست خالی کاری را از پیش نبردن. نوعی صوفی‌گری سازمانی که با انحطاط و ارتجاع و رکود همراه است، سازمان را به عهد حجر برمی‌گرداند، هیچ افق پیشرفتی ندارد، نارضایتی عمومی را به دنبال دارد و این هم «الرضا بالدون» است، ولی تفریطی است که شاخصه‌ی آن دنبال بودجه نبودن، بسنده کردن به حداقل‌های موجود که فرسوده، اسقاطی، تاریخ مصرف گذشته،

^۱ «أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْخَوْفِ وَالْجَهْدِ وَ حَمْلُ الْأَذَى وَالرِّيَاضَةِ وَ طَلَبُ الصَّدَقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَ رِطْبُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمِ وَ الْعَفْوِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ السَّخَاءِ وَ الشُّفْقَةِ وَ النَّصْحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالْأَدْنَى وَ الْإِثْبَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَقْهُودِ وَ بُغْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ أَفَاتِمَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعة، ص. ۶)

^۲ «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا». (الفرقان: ۶۷) جالب توجه این که اصل انفاق کردن را مسلم می‌گیرد به‌طوری که نیاز به ذکر نداشته باشد؛ چراکه انفاق یکی از وظائف حتمی هر انسانی است، لذا سخن را روی کیفیت انفاق آنان می‌برد و می‌گوید: انفاقی عادلانه و دور از هرگونه اسراف و سخت‌گیری دارند، نه آن‌چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند، و نه آن‌چنان سخت‌گیر باشند که دیگران از مواهب آن‌ها بهره نگیرند. در تفسیر اسراف و اقتار که نقطه‌ی مقابل یک‌دیگرند مفسران سخنان گوناگونی دارند که روح همه به یک امر بازمی‌گردد و آن این که اسراف آن است که بیش از حد و در غیرحق و بی‌جا مصرف گردد، و اقتار آن است که کمتر از حق و مقدار لازم بوده باشد. در یکی از روایات اسلامی تشبیه جالبی برای اسراف و اقتار و حد اعتدال شده است و آن این که هنگامی که امام صادق (ع) این آیه را تلاوت فرمود مشتی سنگ‌ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت، و فرمود این همان اقتار و سخت‌گیری است، سپس مشتی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه‌ی آن به روی زمین ریخت و فرمود این اسراف است، بار سوم مشتی دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود به گونه‌ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش بازماند، و فرمود این همان قوام است. (کلینی، کافی، بنا بر نقل تفسیر نور الثقلین، ج. ۴، ص. ۲۹) واژه‌ی قوام (بر وزن عوام) در لغت به معنی عدالت و استقامت و حد وسط میان دو چیز است و قوام (بر وزن کتاب) به معنی چیزی است که مایه‌ی قیام و استقرار بوده باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج. ۱۵، ص. ۱۵)

بدون شك اسراف یکی از مذموم‌ترین اعمال از دیدگاه قرآن و اسلام است، و در آیات و روایات نکوهش فراوانی از آن شده، اسراف يك برنامه‌ی فرعونى است «وَإِنْ فَرَعُونَ لَمَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس ۸۳)). اسراف کنندگان اصحاب دوزخ و جهنمند (وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر ۴۳)). و با توجه به آن‌چه امروز ثابت شده که منابع روی زمین با توجه به جمعیت انسان‌ها آن‌قدر زیاد نیست که بتوان اسراف‌کاری کرد، و هر اسراف‌کاری سبب محرومیت انسان‌های بی‌گناهی خواهد بود، به‌علاوه روح اسراف معمولاً توأم با خودخواهی و خودپسندی و بیگانگی از خلق خدا است. در عین حال بخل و سخت‌گیری و خسیس بودن نیز به همین اندازه زشت و ناپسند و نکوهیده است، اصولاً از نظر بیش‌توحیدی مالک اصلی خداست و ما همه امانت‌دار او هستیم و هرگونه تصرّفی بدون اجازه و رضایت او زشت و ناپسند است و می‌دانیم او نه اجازه‌ی اسراف می‌دهد و نه اجازه‌ی بخل و تنگ‌چشمی. (همان، ج. ۱۵، ص. ۱۵۴)

کهنه‌شده، بی‌فائده، دورریختنی، ناکارآمد و... هستند و باید مورد بازیافت قرار گیرند و کاری را به پیش نمی‌برند. ساختمان فرسوده، ساختار فرسوده و امکانات فرسوده اعم از ماشین آلات و خط تولید و... تفریط و مانع تولید ثروت است و عقب‌ماندگی می‌آورد. در حالی که اصل «الرضا بالدون» در نقطه‌ی اعتدال خود باعث تولید ثروت، خدمت و قدرت می‌شود و در نقطه‌ی تفریط مانع این تولیدات خواهد شد. لذا وجه تمایز اعتدال و تفریط در «الرضا بالدون» همین تولید ثروت و عدم تولید است. تفاخر سازمان به بهبود مستمر است که با اعتدال در «الرضا بالدون» سازگار است. در تقثیر بهبود مستمری وجود ندارد، بلکه بدبود مستمر است و در افراط و اسراف و شره هم بهبود مستمر وجود خارجی ندارد، زیرا هدررفت بودجه‌های کلان اصلاً با بهبود مستمر هم‌خوانی ندارد. این بهبود فقط با نقطه‌ی اعتدال «الرضا بالدون» می‌سازد.

تفقه: طبق قاعده‌ی فقهیه‌ی اداره، «الجاهل اما مفرط او مفرط». افراط و تفریط به جاهلیت قدیم و جدید می‌انجامد که هر دو منکر و دارای مفسده‌ی تامه است و دچار حرمت شرعی و عقلی می‌شود. ولی «الرضا بالدون» و قناعت که از جنود عقل و حد اعتدال و دارای مصلحت تامه برای سازمان است وجوب پیدا می‌کند، یعنی همان روحیه و رویه‌ی بهره‌وری حداکثری از اقل امکانات که با رضایت و اراده و انگیزه‌ی قلبی توأم است.

فتحصل که کارکنان سازمان باید برای نیل به حداکثر بهره‌وری و بهبود مستمر در استفاده از امکانات به حداقل‌های مفید و اثربخش اکتفا کنند و به حداقل‌های فرسوده و ناکارآمد رضایت ندهند و دنبال نوسازی و تحول در حداقل‌ها باشند و نباید در بهره‌برداری از امکانات دچار اسراف، زیاده‌روی و زیاده‌خواهی و بی‌حسابی شوند، و الله العالم.^۳

^۳ درس ۱۳۹ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۱۸ شهر ذی القعدة ۱۴۴۷.